

اتخاذ شده باشد.

فصل هجدهم - در رهن - هجدهم

فصل هجدهم - در رهن

ماده 771

ماده 771 - رهن عقدی است که بموجب آن مدیون مالی را برای وثیقه بداین میدهد.

رهن دهنده را راهن و طرف دیگر را مُرْتَهَن میگویند.

ماده 772

ماده 772 - مال مرهون باید بقبض مُرْتَهَن یا بتصرف کسیکه بین طرفین معین میگردد داده شود، ولی استمرار قبض شرط صحّت معامله نیست.

ماده 773

ماده 773 - هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمیتواند مورد رهن واقع شود.

ماده 774

ماده 774 - مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است.

ماده 775

ماده 775 - برای هر مالی که در ذمه باشد ممکن است رهن داده شود ولو عقدی که موجب اشتغال ذمه است قابل فسخ باشد.

ماده 776

ماده 776 - ممکن است یکنفر مالی را در مقابل دو یا چند دین که بدو یا چند نفر دارد رهن بدهد در اینصورت مُرتَهِنین باید بِتَرَاضی معین کنند که رهن در تصرف چه کسی باشد و همچنین ممکن است دو نفر یک مال را بیکنفر در مقابل طلبی که از آن‌ها دارد رهن بدهند.

ماده 777

ماده 777 - در ضمن عقد رهن یا بموجب عقد علیحده ممکن است راهن مُرتَهِن را وکیل کند که اگر در موعد مقرر راهن قَرْض خود را اداء ننمود مُرتَهِن از عین مرهونه یا قیمت آن طلب خود را استیفاء کند و نیز ممکن است قرار دهد وکالت مزبور بعد از فوت مُرتَهِن با ورثه او باشد و بالاخره ممکن است که وکالت بشخص ثالث داده شود.

ماده 778

ماده 778 - اگر شرط شده باشد که مُرتَهِن حق فروش عین مرهونه را ندارد باطل است.

ماده 779

ماده 779 - هر گاه مُرتَهِن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و راهن هم برای فروش آن و اداء دین حاضر نگردد مُرتَهِن بحاکم رجوع مینماید تا اجبار بیع یا اداء دین بنحو دیگر بکند.

ماده 780

ماده 780 - برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن مُرتَهِن بر هر طلبکار دیگری رجحان خواهد داشت.

ماده 781

ماده 781 - اگر مال مرهون بقیمتی بیش از طلب مُرتَهِن فروخته شود مازاد مال مالک آن است و اگر برعکس حاصل فروش کمتر باشد مُرتَهِن باید برای نقیصه براهن رجوع کند.

ماده 782

ماده 782 - در مورد قسمت اخیر ماده قبل اگر رهن مُفلس شده باشد مُرتَهَن با غرماء شریک میشود.

ماده 783

ماده 783 - اگر رهن مقداری از دین را ادا کند حق ندارد مقداری از رهن را مُطالبه نمایند و مُرتَهَن میتواند تمام آن را تا تأدیه کامل دین نگاهدارد مگر اینکه بین رهن و مُرتَهَن ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده 784

ماده 784 - تبدیل رهن بمال دیگر بتراضی طرفین جائز است.

ماده 785

ماده 785 - هر چیزی که در عقد بیع بدون قید صریح بعنوان متعلقات جزء مَبِيع محسوب میشود در رهن نیز داخل خواهد بود.

ماده 786

ماده 786 - ثمره رهن و زیادتى که ممکن است در آن حاصل شود در صورتیکه متّصل باشد جزء رهن خواهد بود و در صورتیکه منفصل باشد متعلق بر رهن است مگر اینکه ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده 787

ماده 787 - عقد رهن نسبت بمُرتَهَن جایز و نسبت بر رهن لازم است و بنابراین مُرتَهَن میتواند هر وقت بخواهد آن را برهم زند، ولی رهن نمیتواند قبل از اینکه دین خود را ادا نماید و یا بنحوی از انحاء قانونی از آن بری شود رهن را مسترد دارد.

ماده 788

ماده 788 - بموت رهن یا مُرْتَهِن رهن منفسخ نمی‌شود، ولی در صورت فوت مُرْتَهِن رهن می‌تواند تقاضا نماید که رهن بتصرف شخص ثالثی که بتراضی او و ورثه معین میشود داده شود.

در صورت عدم تراضی، شخص مزبور از طرف حاکم معین میشود.

ماده 789

ماده 789 - رهن در ید مُرْتَهِن امانت محسوب است و بنابراین مُرْتَهِن مسئول تلف یا ناقص شدن آن نخواهد بود مگر در صورت تقصیر.

ماده 790

ماده 790 - بعد از براءت ذمه مدیون رهن در ید مُرْتَهِن امانت است لیکن اگر با وجود مُطالبه آن را ردّ ننماید ضامن آن خواهد بود اگرچه تقصیر نکرده باشد.

ماده 791

ماده 791 - اگر عین مرهونه بواسطه عمل خود رهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف‌کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود.

ماده 792

ماده 792 - وکالت مذکور در ماده 777 شامل بدل مزبور در ماده فوق نخواهد بود.

ماده 793

ماده 793 - رهن نمیتواند در رهن تصرفی کند که مُنافی حق مُرْتَهِن باشد مگر بادن مُرْتَهِن.

ماده 794 - راهن می‌تواند در رهن تغییراتی بدهد یا تصرفات دیگری که برای رهن نافع باشد و منافعی حقوق مُرتَهَن هم نباشد بعمل آورد بدون اینکه مُرتَهَن بتواند او را منع کند، در صورت منع اجازه با حاکم است.